نیم در 20 قسمتی کمی شلوغ در عسلیه کمی «شلوغ» در حق عسلیه نیست، داستان در داستان‌هاست

عطرآبدان‌ها، همه را وقتی به هم می‌فروشند، فقط یک عطر می‌بینی

گفت‌وگو: نسرین ه. ـ ۱۴۰۲/۰۹/۲۲

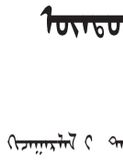

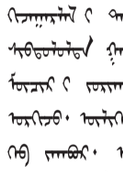

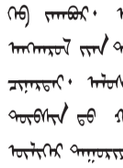

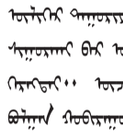

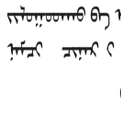

هفته‌نامه‌ی مرکز

۲

۱۳ مهر ۱۴۰۳ ـ سال دوم

هفته‌نامه‌ی مرکز ۲ ـ سال دوم ـ ۱۳ مهر ۱۴۰۳

نیم در 20 قسمتی کمی شلوغ در عسلیه کمی «شلوغ» در حق عسلیه نیست، داستان در داستان‌هاست

عطرآبدان‌ها، همه را وقتی به هم می‌فروشند، فقط یک عطر می‌بینی

گفت‌وگو: نسرین ه. ـ ۱۴۰۲/۰۹/۲۲

عسلیه، شهری که بیشتر مسافران آن را فقط از پشت شیشه‌ی اتوبوس می‌بینند، این روزها بیش از آنکه به خاطر باغ‌های انار و کارگاه‌های قالی‌بافی شناخته شود، با یک سریال تلویزیونی نفس می‌کشد. «شلوغ» نام سریالی است که از ۱۲ مهر ۱۴۰۲ هر شب ساعت ۲۱:۳۰ از شبکه‌ی ۳ سیما پخش می‌شود و تا امروز ۲۰ قسمت از آن روی آنتن رفته است. نام سریال در نگاه اول کمی گیج‌کننده است، چون در هیچ‌کدام از قسمت‌ها اتفاق خاصی که بتوان آن را شلوغ نامید رخ نمی‌دهد. اما همین تناقض کوچک، کلید فهم تمام چیزی است که در این شهر می‌گذرد.

داستان از زبان دختری به نام مهسا روایت می‌شود که پس از ازدواج به عسلیه می‌رود و در خانه‌ای بزرگ با خانواده‌ی همسرش زندگی می‌کند. خانه‌ای که در آن همیشه کسی در حال آمدن یا رفتن است، همیشه صدا هست و هیچ‌وقت سکوت واقعی وجود ندارد. مهسا از همان روزهای اول می‌فهمد که در این خانه حریم خصوصی مفهومی لوکس است. از همین‌جا عنوان سریال معنا پیدا می‌کند: شلوغی نه به‌عنوان مشکل، بلکه به‌عنوان شکلی از زندگی که همه‌ی شخصیت‌ها ناچار به تحمل آن هستند.

سازنده‌ی سریال، هادی رستمی‌نژاد، پیش‌تر با مجموعه‌ی کوتاه «پنج در پنج» در شبکه‌ی نمایش خانگی شناخته شده بود. او در گفت‌وگویی که در دفتر تولید سریال در محله‌ی باغ‌نارون انجام شد، گفت که ایده‌ی اولیه‌ی «شلوغ» از یک عکس قدیمی به ذهنش رسیده است: «عکسی از یک عروسی در دهه‌ی ۷۰ که در آن بیش از ۱۴۰ نفر در یک حیاط جمع شده‌اند و هیچ‌کدام از آن‌ها حتی نصف مهمان‌های دیگر را نمی‌شناسند. پرسیدم چطور ممکن است این‌همه آدم کنار هم زندگی کنند بدون اینکه دیوانه شوند. جواب ساده بود: چون مجبورند.»

به گفته‌ی رستمی‌نژاد، او عمدا از بازیگران کم‌سابقه برای نقش‌های اصلی استفاده کرده است. «می‌خواستم چهره‌ها تازه باشند تا تماشاگر مجبور شود به جای شناختن بازیگر، شخصیت را ببیند.» این تصمیم در ابتدا با مقاومت تهیه‌کننده روبه‌رو شد، اما در نهایت نتیجه داد. بازیگر نقش مهسا، نگار یوسفی، پیش از این فقط در چند تبلیغ تلویزیونی و یک فیلم کوتاه دیده شده بود. او در این سریال یکی از طبیعی‌ترین بازی‌های نسل خود را ارائه می‌دهد.

در مقابل، بازی بهروز کاشانی در نقش پدرشوهر مهسا، حاج‌آقا منصور، بحث‌برانگیز شده است. برخی منتقدان معتقدند شخصیت او بیش از حد کلیشه‌ای است و یادآور چهره‌های آشنای کمدی‌های دهه‌ی ۸۰ است. کاشانی در پاسخ گفته است که عمدا از اغراق استفاده کرده تا «مردی که همه از او حساب می‌برند، خودش چقدر تنها و ترسیده است». این تضاد، به گفته‌ی او، کلید درک شخصیت است. بیننده‌ها در نظرسنجی‌های آنلاین نیز دو دسته شده‌اند؛ عده‌ای او را عصبانی‌کننده می‌دانند و عده‌ای دلسوز.

فیلم‌برداری سریال در محله‌ی قدیمی سرچشمه‌ی عسلیه انجام شده و بسیاری از لوکیشن‌ها واقعی‌اند. کوچه‌ای که خانه‌ی مهسا در آن قرار دارد، پیش‌تر بخشی از یک کاروانسرای قدیمی بوده و تیم تولید برای ساخت دکور فقط دیوارها را جابه‌جا کرده است. فیلم‌بردار سریال، کامران